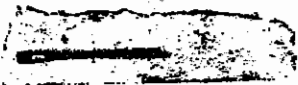


مسائل تبلیغات

شماره ۱

www.iran-archive.com



## اهمیت ارگان سراسری

"باید تمام این فطرت و جوهرهای غنیمت عمومی...  
در یک سیلاب واحد و غول‌ما ترکیب شود..."  
(لنین)

تلاش در جهت شناخت وظایف هر مبارز راه آرمان تاریخی - جهانی  
پرولتاریا بخشی از تلاش عمومی است که در جهت تحقق این آرمان در  
مرصه‌های مختلف اجتماعی بعمل می‌آید. بدون تردید، در هر شرایط  
مغفنی وظایف خاصی متوجه هر مبارز آگاهی است که تعیین آنها  
نیازمند بررسی همان شرایط است. لیکن علاوه بر آن، برخی وظایف  
هستند که جنبه عام دارند و شرایط تنها می‌تواند بر شیوه و شکل  
اجرای آنها اثر بگذارد و اصولیت آنها را نسی نمی‌کند. بدون شناخت  
این وظایف، ادعای مبارزه انقلابی در راه کمونیسم، در بهترین  
حالت چیزی جز بلاتکلیفی و هرز رفتن نیروها نیست که در ادامه  
خود راه به اعتراف راست‌ها "چپ" خواهد برد. چرا که صرف آرمان‌خواهی  
ترقیخواهانه و انقلابی به خودی خود شرایط تحقق خویش را فراهم  
نمی‌کند. این شرایط و وسایل باید مورد شناخت و استفاده قرار  
گیرند و کسی که این "وسایل" را نشناسد و در راه تامین آنها نکوشد  
چیزی بیش از یک "گزاره گزین" نیست. اما وظیفه‌اش به این شناخت،  
بدون درک اهمیت وظایف و نقش آنها در پیشبرد امر انقلاب میسر نخواهد بود.  
از نظر زمانی و مناسبات درون حزب، خطوط کلی وظایف را می‌توان  
در اساسنامه، احزاب کمونیستی و کارگری جستجو کرد. ولی این کافی  
نیست چرا که اولاً اساسنامه تکلیف‌توده‌هایی را که در چارچوب  
تشکلاتی فعالیت نمی‌کنند - غیل میلیتوسی‌هواداران - روشن نمی‌کند. و  
ثانیاً اگر شناخت وظایف همراه با درک عمیق ضرورت آنها همراه نباشد و به سیاست  
عملی افراد بدل شود، هرگز در ذهن و عمل افراد تاثیر همه‌جانبه  
نیخواهد داشت، چه رسد به اینکه به "نیروی عادت" تبدیل شود. تا  
کسی نداند که برای چه باید "تبلیغ" و "ترویج" کند، چرا باید

برای، حزب، و سازمانش "کنک مالی" جمع آوری نماید، به چه خاطر باید  
"روزنامه" حزبی اش را بدست مردم برساند و اهمیت اجرای هر یک از  
اینها در کجاست و... قطعا "در راه انجام این وظایف تا پای جان  
تلاش خواهد کرد. پرولتا ریبا به مبارزین آگاهی نیاز دارد که بدانند  
در راه چه و از چه راهی میروند.

درک این ضرورت ما را بر آن داشت که در جهت شناخت یکی از این  
وظایف "عام" و "همینگی"، یعنی توزیع روزنامه سراسری با رفقا  
سخن بگویم:



### تبلیغ

تبلیغ یک رکن بسیار مهم از فعالیت کمونیستی را تشکیل می دهد.  
تبلیغ وسیله اصلی پیوند با توده هاست که از جانب پشاهنگ و سمینا  
مورد استفاده قرار می گیرد. هر کمونیستی در هر مقام و موقعیتی که قرار  
دارد، از هر لحظه ای و هر موضوعی بهره می گیرد تا زحماتش را نسبت به  
منافع آنی ذاتی خود آگاه گرداند، آنان را با سلاح آگاهی سیاسی و  
طبقاتی مجهز سازد، واقفیت، اعتماد، استعمار و ناسراسری  
طبقاتی را از پس برده، اسباب و پیچیدگی و ادعاهای دروغین "بشردستانه"  
و "مساوات طلبانه" بیرون بکشد، و منافع تنگ طبقاتی این با آن  
فقر و طبقه را که در پشت انواع افکار، ایدئولوژیها و اخلاقیات  
پنهان می شود، میان سازد. مبارز آگاه، دوست و دشمن و "خود" و  
"غیر خودی" مردم را به ایشان معرفی می کند. معرفی نه در چارچوب  
تنگ این جنگ و آن جنگ، بلکه در هر مدای به  
گسترده گی تمام گیتی انجام می شود. دوست و دشمن و "رفیق نیمه راه"  
را در هر لباس و در هر نقطه ای که باشد، در جایگاه خود قرار می دهد.  
توطئه های دشمنان را افشا و ناپیگیری و اشتباه دوستان را گوشزد  
می کند... و اینها اهداف و سمت اقداماتی است که "تبلیغ" بمبده دارد.  
طبعا، این همه را نمی توان در هر شرایطی به یک شکل و شیوه مشخص  
و از پیش تعیین شده انجام داد. تبلیغ می تواند پیش اعلامیه یا فروش  
روزنامه باشد، یا نصب پوستر و نمايشگاه و شمار نویسی. می تواند فیلم  
و تقاریر سخنرانی باشد یا صحبت شفاهی در محیط کار و خانواده. می تواند

آتش زدن پرچم آمریکا با عده‌ها بمبجی دسته‌جمعی برای افزایش تولید یا اعزام به روستا و... و دهها وصدها شکل دیگر. اینکه در هر شرایطی کدامیک از این شیوه‌ها و اشکال بکار رود به مضمون تبلیغ، به شرایط محیط و روانشناسی جامعه، و بالاخره به امکانات و وسایل موجود وابسته است لیکن مسلم آن است که همه این اشکال از وزن و کارایی یکسانی برخوردار نیستند و وسعت عمل همانندی ندارند. درحالیکه تبلیغ شفاهی به یک یا چند نفر محدود می‌شود، یک نمایندگان در معرض دید دهها نفر قرار می‌گیرد، با یک اعلامیه ممکن است بدست هزاران نفر برسد. در این میان روزنامه با ارگان سراسری جا بجا و ویژه‌ای دارد که با هیچ‌شکل دیگری قابل تمویز نیست!

### روزنامه سراسری: مرجع تبلیغ

مسائل اجتماعی ابعاد مختلفی دارند. یک ساله منگناست تنها به یک کارخانه یا نهاد دولتی مربوط باشد، و ساله دیگر به یک روستا، شهر یا ایالت. با این قبیل مسائل می‌توان در همان سطح و در اشکال مختلف برخورد کرد. مثلاً یک روزنامه محلی بخوبی از عمده‌ترین وظایف‌های برمی‌آید. اما برخی موضوعات جنبه فراگیر دارند و بر تمام زندگی اجتماعی اثر می‌گذارند. برخورد با اینها را نمی‌توان به ابعاد محلی محدود کرد. وسیله‌ای لازم است که این مسائل را در سطح وسیع و در ابعاد سراسری به درون جامعه برود و با طرح عام‌ترین و کلی‌ترین جریان‌ها و تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زمینه برخورد و تکرار نسبت‌بدها را از موضع منابع تهیه کند. این کار می‌تواند با این وسیله چیزی جز "روزنامه" یا "ارگان سراسری" نیست.

بعلاوه، حتی مسائلی هم که در سطح محدودتری مطرح هستند، چنانچه از طریق همین روزنامه در سطح وسیع‌تر طرح شوند، امکان تصمیم‌تجارب و استنتاج بیامدها و گسترش شناخت نسبت به عام‌ترین مسائل فراهم می‌آورد. ارگان در هر مقطعی مضمون ملی و محور تبلیغ را از نظر مضمون و محتوا، مشخص کرده و جهت کلی دیگر اشکال تبلیغ را تعیین می‌کند. سر مقاله ارگان غالباً به مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل و وظایف روز اختصاص می‌یابد و از این طریق زمینه برخورد فعال و بلاواسطه با این

مسائل را فراهم می‌سازد. در واقع محور روزنامه "سراسری"، تبلیغات و فعالیت سیاسی بطور اعم به تلاش‌های پراکنده‌ای تبدیل می‌شود که هرگز به جریان واحدی نمی‌پیوندد.

در همین حال، روزنامه بعنوان محور تبلیغ جای دیگر اشکال تبلیغی را نمی‌گیرد و نافی آنها نیست، بلکه مکمل آنهاست:

"منظور ما از تاکید ضرورت متمرکز ساختن تمام نیروهای حزب یعنی تمام نیروی نویسندگی، تمام استعداد های سازمانگری، تمام وسایل مادی و غیره آن برای بهادار شدن و هدایت صحیح ارگان سراسری حزب، بهیچ وجه آن نیست که گونه‌های دیگر فعالیت مثلا "تبلیغات محلی، نظارات، تحریرها، شکارچاسوسان، ناخشن به این یا آن نماینده بورژوازی و دولت، اعتراضات آمیز و غیره و غیره باید بهره دوم رانده شود. برعکس ما معتقدیم که مجموع این گونه‌های فعالیت نباید بهیچاد فعالیت حزب را تشکیل می‌دهند، ولی بدون شکل آنها بوسیله ارگان سراسری حزب، تمام این اشکال مبارزه انقلابی به اهمیت خود را از دست می‌دهند و به پیدایش تجربه عام برای حزب، به ایجاد سنت حزبی و ادامه کاری حزبی نمی‌انجامند. روزنامه ارگان حزب نه تنها رقیب چنین فعالیتی نخواهد شد، بلکه برعکس در رواج و تقویت سیستم بندی کردن آن تاثير عظیم خواهد بخشید...."

(لنین، م. ک. ۲، جلد ۴، ص. ۱۹۲)

تداوم در تبلیغ و پیگیری در بیشتر مقامین تبلیغی یکی از ویژگی‌های تبلیغ بطور عام و تبلیغ کمونیستی بطور خاص است. هر شعار مضمون یا برنامه برای اینکه بدون توده‌ها برود و به نیروی مادی تبدیل شود، علاوه بر نیاز به زمینه "مینی پذیرش" باید با رها و بارها و به صورت گوناگون مطرح شود و در معرض داوری و قضاوت مردم قرار گیرد. بورژوازی در تجربه چندساله خود این مسأله را دقیقاً "درک کرده است. موج تبلیغ "آنتی-سویتسم" که از فردای انقلاب اکتبر بر علیه دولت سوسیالیستی به راه افتاد، بیش از ۶۰ سال است که به شیوه‌های گوناگون به غوزد جامعه جهانی داده می‌شود ولی بورژوازی امپریالیستی هنوز هم از "پیگیری" در اشاعه آن مایوس نشده و دم به دم در رسانه‌ها و مطبوعات تحت کنترل انحصارات و دول ارتجاعی آنرا تبلیغ می‌کند!!

التمه بین تبلیغ بورژوازی و تبلیغ کمونیستی بگ تفاوت "کوچک"  
وجود دارد و آیا اینکه :

"امیرالیم ... می‌گوشد تا دایره، استدالات خود را به کسک  
بزاره ایی که نه بر شعور مردم بلکه بر هیجانات احساسی آنان تکیه دارد.  
گمترش دهد... دروغ و شایعه پراکنی، شیوه مبارزاتی امیرالیم است."

(لشونا ردپا سو - پایه های علمی تبلیغ)  
لیکن تبلیغات مانع بر اساس "دروغ و شایعه پراکنی" و تا تیسر بر سر  
"هیجانات" آنان، بلکه بر بستر آگاهی طبقاتی و واقعیات اجتماعی  
استوار است. در این زمینه ما اصراری به "آموختن" از بورژوازی  
نداریم. اما یک چیز است که باید از وی بیاموزیم!! و آن پیگیری و  
ادامه کاری در تبلیغ است!! روزنامه سراسری بهترین تضمین برای این  
تداوم و پیگیری است. روزنامه می‌تواند در چارچوب جهت گیری عمومی  
با اتکا بر چشم اندازهای علمی، با بهره گیری از فاکت های مستند و  
متنوع، یک مضمون خاص را در همه جا مطرح کند و استمرار بر خورد را  
در هر زمینه ای تأمین نماید.

هدف نهایی تبلیغ جایگزینی ذهنیت سوسیالیستی در اکثریت های  
میلیونی زحمتکشان است. روزنامه با هارگیری کردن سیاست پرولتاری در  
ابعاد وسیع و در گنا ل های مختلف، در جایگزینی این ذهنیت نقش  
تعمین کننده ای دارد. که با هیچ شیوه تبلیغی دیگری قابل جانشینی  
می‌توان مطمئن بود که یک کارگرم توسط یا روشنفکر انقلابی با تماس  
مداوم با روزنامه سراسری پس از مدتی به یک حداقل آگاهی طبقاتی و  
سوسیال دمکراتیک ناقل می‌آید؛ حداقلی که با مدها بازنه اشانی نما بشگاه  
با خواندن اعلامیه و... دست یافتنی نخواهد بود.

بدین ترتیب می‌بینیم که روزنامه ارگان سراسری جای ویژه ای را  
در فعالیت تبلیغی به خود اختصاص می‌دهد. اما این تنها ویژگی برجسته  
نشریه نیست

"روزنامه نه فقط مروج جمعی و مبلغ جمعی، بلکه سازمانگر جمعی نیز هست."

(لشون، م. ک. آ. جلد ۵، ص. ۱۰)

\*\*\*

مروج جمعی

"روزنامه می‌تواند و باید رهبر ایدئولوژیک حزب باشد و اصول

تفویض احکام تاکتیکی، اندیشه‌های - آزمایشی‌ها و وظایف عامی را  
که مجموعه حزب در این یا آن لحظه در پیش دارد، گسترش دهد.

(الفین - نامه به یک رفیق - ص ۲)  
روزنامه اگر چه لزوماً یک نشریه تفویض نیست، اما از طریق  
ایجاد پیوند بین "سیاست" و "تفویض" و اشاعه مارکسیسم - لنینیسم  
و اختراعاتی چون "پرولتاری" می‌تواند و باید رهبر ایدئولوژیک حزب  
باشد. "روزنامه از طریق طرح کلی‌ترین مسائل مربوط به اشکالاتی و  
تاکتیک، تحولات جهانی و تناسب نیروها، چشم‌اندازهای آتی و...  
به رهبری ایدئولوژیک جنبش می‌پردازد. در دوران معاصر که مقلاتی  
چون سوسیالیسم واقعاً موجود، مبارزه بین دو نظام اجتماعی، صلح و  
همزیستی مسائل آمیز، جنبش‌های عریض‌پهن ملی و مبارزات طبقه  
کارگر جهانی در صدر فعالیت تفویض مارکسیست - لنینیست‌ها قرار  
دارد و مبارزه ایدئولوژیک با بورژوازی و برعلیه موج آنتی‌کمونیسم و  
آنتی‌سویتسم در دستور کار روزمره جنبش کمونیستی است. روزنامه  
ضمن برخورد با این مقلات به مبارزه، گسترش و تحکیم ایدئولوژی  
پرولتاری در مقابل ایدئولوژی‌های "مهر" کمک ارزنده‌ای می‌کند و در دفع  
سمومات بورژوازی و امپریالیستی، و انزوای گرایش‌های تنگ‌نظرانه  
خرده‌بورژوازی سهمی بسزا دارد.

نابوده گرفتن این نقش وسیع‌تر کردن آن بعنوان یکی از وظایف  
عمده نشریه سراسری به معنای بازگذاشتن راه برای نفوذ عقاید و  
ایدئولوژی‌های غیرپرولتاری به درون صفوف طبقه کارگر و آزادی عمل  
بورژوازی در فریب و همراه کردن توده‌هاست. از این جنبه نیز جایگاه  
روزنامه سراسری را با خاطر میدان عمل وسیعی که دارد، نمی‌توان به  
هیچ نشریه دیگری واگذار کرد.



### سازمانده جمعی

"تشکیل یک روزنامه سیاسی برای سراسر روسیه با بختی آن در همان  
اساسی باشد که با در دست گرفتن آن ما بتوانیم این سازمان (یعنی  
سازمان انقلابی را...) همواره پیشرفت داده، بر عمق و وسعت  
آن بیافزاییم."

علیرغم تاکیدات و تمهیدات تفویضی که در شناختن نقش

سازمان گرانه ارگان از آغاز بیدایش جنبش کمونیستی و به‌صورتی توسط  
لشکر انجام گرفته . از این زاویه کمتر بدان نگریسته می‌شود . در حالیکه  
انتشار روزنامه "سراسری برای مبارزه با اکتونومسم و طبقه منصر  
خودبفودی در جنبش کارگری . برای ایجاد سازمان واحد انقلابی و  
"گسترش و تعمیق" آن ضرورت تام دارد .

پیشاهنگ پرولتری برای اینکه بتواند "مبارزه خودانگیزانه  
آنان (کارگران) را علیه استمگران به مبارزه مجموعه؛ طبقه به مبارزه  
حزب سیاسی معین در زمانه آرمان‌های معین سیاسی و سوسیالیستی  
تبدیل کند" (لشکر - وظیفه عاجلها) نیاز به زنجیری دارد که تمام  
این مبارزات پراکنده "طبقه استمگران" را در یک جریان واحد گرد  
هم آورد و به یک نیروی عظیم مبدل سازد . وگرنه این مبارزه در محدوده  
یک کارخانه ، منفی منطقه ، و به‌عبارت دیگر این با آن سرمایه دار و  
چهار لنگر باقی خواهد ماند و هرگز به مبارزه "مجموعه" طبقه "بر علیه  
ستم و سلطه و استثمار" به مبارزه طبقاتی - تبدیل نخواهد شد .

مبادله ، تجارت ، تاکتیک‌ها ، اطلاعات ، نیرو و وسایل به  
بهترین شکل از طریق انتشار اخبار مربوط به آنها در یک روزنامه  
سراسری ممکن است . تقسیم کار و نیرو بین مناطق و شناخت نفعهای  
محلی نیز از این طریق امکانپذیر است . مبارزات انقلابی که در یک نقطه  
دور افتاده به فعالیت سیاسی و رهبری مبارزات توده‌ها پرداخته ، از  
طریق ارگان نمی‌توانند با مجموعه شرایط حاکم بر جامعه ، با وضعیت  
نیروها ، با تاکتیک‌های مناسب مبارزه آشنا شود و آنها را در شرایط ویژه  
محیطی بکار برند .

از طریق روزنامه می‌توان بیشترین تاثیر را بر ارتقای روحیه  
مبارزاتی و انقلابی کارگران گذاشت

"کارگران کارخانه‌های مجاور هم‌بزم تما سی رنج‌هایی گس  
امتیازات با خود به همراه می‌آورد ، وقتی که می‌بینند رفقایشان خود را  
درگیر مبارزه کرده‌اند ، شامت دوباره ای کسب می‌کنند . اغلب کافس  
است که بگ کارخانه امتیازات کند تا بلافاصله در تعداد زیادی از  
کارخانه‌ها امتیازات شروع شود ." (لشکر)

همین روند تا شمر گذار در مورد هفتان و دیگر متحدان بالقوه



پرولتاریا کمتر از این مادی نیست.

"تنها و تنها امواج اعتماد نوده‌ای بود که نوده‌های وسیع دهقانی را از خواب گرانبارشان بدر آورد." (لنین)

در شرایط کنونی جامعه ما، انتشار هر خبر از تلاش کارگران بک کارخانه در جهت افزایش تولید، داوطلبی برای جبهه، یا بهیچ‌گونه کیفیت معمول در ترغیب دیگر کارگران به پیروی از چنین سیاستی موثر خواهد بود. هر خبری از مبارزه دهقانان بر علیه سیستم فئودالی و بزرگ زمینداری در برانگیختن دهقانان در مناطق دیگر نمی‌تواند بی‌تاثیر باشد. انتشار اخبار مربوط به مبارزات دهقانی و دفاع از منافع حقه دهقانان در روزنامه کارگری، در تحکیم و گسترش وحدت بین کارگران و دهقانان وسیله کارآمدی بشمار می‌رود. به همین منوال است دفاع از خواسته‌های دیگر متحدان پرولتاریا.

در درون تشکیلات، نشریه به برقراری نوعی رقابت سالم سوسیالیستی کمک خواهد کرد. عملکرد مثبت و نوآور یک ناحیه و انعکاس خبر آن در روزنامه، دیگر نواحی را به گسترش فعالیت و تأمین امکانات نوین تشویق خواهد نمود.

روزنامه در گسترش پایگاه نوده‌ای گردان کمونیستی و ایجاد پیوند بین آن و زمینکشان نقش قاطع دارد.

"روزنامه با تشریح مسائل عام اقتصادی، سیاسی، زندگی‌سندگایی و مبارزات آن در چارچوب موسسه و سطح درگ کارگران، بمنزله ابزاری برای حوزه‌های حزبی خواهد بود که به خدمت رابطه با نوده‌ها در موسسات و مناطق سکونی اطراف آن درمی‌آید و رشد کمی سازمانی حزب و استواری سیاسی و ادولوزیک وی را ارتقا می‌بخشد."

(لئون ردها سو - "پایه علمی تبلیغات")

اسکرای لنینی بهترین نمونه تاریخی در بیان نقش ارگان بعنوان سازمانده جمعی است. در شرایطی که جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه از پراکندگی نیروها و محفل‌گرایی رنج می‌برد، لنین با درک ادیبانه نقش روزنامه سراسری بعنوان "رسمان جنبش" چاره کار را در ایجاد چنین روزنامه‌ای دید و به مبارزه سختی علیه کژسویست‌ها در جهت تثبیت این نظریه خود پرداخت. "چه باید کرد" لنین دستاورد و تلور و تلوریک این مبارز است، که هنوز هم اعتبار و اهمیت خود را بعنوان یک راهنمای عمل حفظ کرده است. ما مطالعه مجدد آن

تصور می‌پردتا حدودی توانسته باشیم اهمیت ارگان سراسری را به عنوان "مبلغ، مروج و سازمانده جمعی" بازبینا کنیم، اما این تنها یک روی مساله است. یک نثریه با برجسته ترین مضمون و انقلابی ترین جهت گیری، تا زمانیکه به دست توده های مردم و رهبران آنان نرسد کاربرد و بازدهی خود را از دست خواهد داد و تبلیورمادی نخواهد یافت: روزنامه برای اینکه به درون جامعه راه یابد و بتواند ضروری را حول خود متشکل و بسیج کند، باید به وسیله یکه سیستم توزیع وسیع، منسجم، و سریع به دست خواننده برسد. بعضی از این توزیع قاعدتا "به وسیله گردانندگان نثریه انجام می‌شود. ایجاد یک شبکه توزیع سازمان یافته و برنامه ریزی شده تا همین حد خود از ضروریات اساسی روزنامه و کمترین نفوذ آنست. یعنی شبکه توزیعی که بتواند روزنامه را تا سطح معینی به مراکز توزیع برساند. اما آیا می‌توان به همین حد توقف کرد؟

اگر روزنامه در روزنامه فروشی های علنی امکان فروش می‌داشت، شاید جواب این سوال مثبت می‌بود. تازه در آن صورت هم یک سیستم کنترل و نظارت و تقسیم صحیح برای پیشبرد کار الزامی بود. بعلاوه شرط آنده - نگری و اصولیت تشکیلاتی (در تلفیق کار مخفی و علنی) آنست که در بهترین شرایط هم به فروش علنی اکتفا نشود و حتی الامکان یک سیستم آونمان نثریه در کنار آن برقرار شود. تا با تغییر شرایط حلقه ارتباط روزنامه و جامعه قطع نگردد.

اما بسیاری موارد در فعالیت سیاسی پیش می‌آید که فروش آزاد روزنامه در روزنامه فروشی ها امکان پذیر نیست. در چنین صورتی چه باید کرد؟ فرض کنیم یک شبکه توزیع درونی روزنامه را صرفاً "به مراکز عمده توزیع برساند. از آنجا به بعد تکلیف چیست؟ آیا آن حلقه احتمالی در همین نقطه برقرار شده است؟ نگرشی که امر توزیع را در همین حد متوقف می‌کند و از آن فراتر وظیفه ای برای کسی در جهت رساندن نثریه به دست مردم نمی‌شناسد، درکی غیر اصولی از امر توزیع را در پشت سر دارد. این همان نگرشی است که ما از آن بعنوان "بوروکراتیسم" یاد می‌کنیم و سبب محرومیت مردم از رهنمودهای ارگان می‌شود. واقعیت آنست که بخش عمده کار را این مرحله آغاز می‌شود: مرحله

توزیع وسیع در سطح جامعه ، توزیع را باید در این معنا و مفهوم وسیع درک کرد و پیش برد .

برای پیشرفت کار در این زمینه ، اشکال مختلف توزیع قابل استفاده است . تجارب خود ما نزدیک به سه سال گذشته برخی از این اشکال را نشان می دهد . فروش کار بوسیله واحدهای پیش نوثر ، فروش ملکی در اماکن عمومی (خیابان ، سینما ، پارک ، ایستگاه اتوبوس و ..... ) ، فروش در بساط کتایفروشی ، فروش به مغازه دارها در محل کسب و ... که بسیاری از اینها می توانند به برقراری آونمان بهانجامد .

در مورد آونمان توضیح بیشتری لازم است . آونمان شیوه ایست که کم و بیش تحت همه شرایط قابل اجراء است و باید بطور وسیع مورد استفاده قرار گیرد . برقراری آونمان می تواند در حین فروش ملکی از طریق برقراری تماس مداوم با خریدار ، در محیط کار ، در محفل خانوادگی ، و بطور کلی از کانال کلیه روابط اجتماعی آغاز شود و در ادامه خود به صورت یک " سیستم " درآمد . هر کسی در هر موقعیتی که باشد دارای چنین روابطی است و در نتیجه سر با زردن از اجرای آن نا هیچ عذرو بهانه ای قابل توجه نیست . نشر به باید بدست مردم برسد و به هر قسمتی هم برسد . هر رقیبی باید سفتی از وقت هفتگی خود را به رساندن روزنامه بدست آونمانندگان به برقراری آونمان جدید اختصاص دهد .

" موضوع جمع آوری هر چه بیشتر آونمان برای " روزنامه ما " باید بصورت یک سیستم درآمد . اولین کاری که باید انجام شود ، استفاده کردن از هر فرصتی است که واقعاً به عمومی باعث برانگیخته شدن کارگران از نظر سیاسی و اجتماعی می شود . ( اسناد کمیته نثرن . ۱۹۲۱ ) چنین " فرصت " هایی در این ایام در جامعه انقلابی ما فراوان است : روند متحول و توفنده انقلاب ، توطئه های رنگارنگ امپریالیستی ، و تشبقات و اقدامات طیف گسترده نیروهای مخالف تعمیق انقلاب ، چنین " فرصتی " را برای " برانگیخته شدن کارگران ( و ایضا تمامی اجتماعات ) از نظر سیاسی و اجتماعی " فراهم می نماید . نیرویی باید که از این " فرصت " استفاده کند و بخون انقلاب و آگاهی طبقاتی را در رگهای جامعه جاری کند . در فمراً بنصورت در هر هیچ و خم وقایع و امتیوز چشم . روزنامه گسترش و نفوذ خود را از دست داده و به پشاهنگ انقلابی

... و ... و ... و ... و ... و ...  
خود محروم می شود و زمینه برای قطع رابطه و گسستن حلقه اعلی ارتباط و  
اعمال رهبری توده ای فراهم می گردد.

به روشنی دیده می شود که ارتباط متقابل و تنگاتنگی که بین "تبلیغ"  
و "توزیع" وجود دارد چنان است که هر یک بدون دیگری معنای وجودی خود  
را از دست می دهد. این نه تنها در مورد روزنامه، که در مورد تمام اوراق  
چاپی و تبلیغی نیز صادق است. بدون یک سیستم توزیع منظم و سریع  
پیشبرد امر تبلیغ عملاً غیر ممکن می شود. حتی برای تبلیغ شفاهی هم  
وجود نشریه سراسری برای هماهنگی و جهت دادن به تبلیغ و در دست  
داشتن "فاکت های مشخص ضروری است.

نه تنها انجام و نظم شبکه توزیع، به معنای وسیع کلمه، بلکه  
سرعت عمل آن نیز در بسیاری شرایط در پیشبرد امر تبلیغ تعیین کننده  
است. هنگامی که روند تحولات اجتماعی و چرخش های سیاسی سریع طس  
می شود، هنگامی که مسایل از امروز تا فردا و از یک هفته به هفته دیگر  
تغییر پیدا می کند یا سبکویی لحظه ای و بلا درنگ به ضرورت های مبارزه  
طبقاتی و وظیفه ای چشم پوشیدنی نیست، که تمطل در آن می تواند موافق  
ناخوشایندی در پی داشته باشد. در چنین مواقعی تاخیر در توزیع  
روزنامه و مواد تبلیغی در بهترین حالت به معنای پراکنندگی مبارزه و  
در بدترین حالت به مفهوم انفعال در قبال وضع موجود و جدایی از حوادث  
است. بنابراین، فعالیت سیاسی بطور اعم و فعالیت تبلیغی بطور  
اخص، نیازمند یک شبکه توزیع وسیع، منجمد، و سریع است.

### یک وظیفه

همکاری با روزنامه حزبی و فعالیت برای آن، همواره بخشی از  
وظایف یک عضو در ما سنا ما احزاب کمونیست تشکیل می دهد. در "توزیع"  
تشکیلات حزب و ساختن احزاب کمونیستی " مصوب کنسره ۱۹۲۱  
اشرنا سبونال کمونیستی، می خوانیم:

"و مایل توسعه و بهبود اعلی آن ( روزنامه ) با پدیدوسته توسط  
افراد مفوف مختلف حزب تا مین شود تا اینکه به یک سازمان محکم  
تبدیل شده و چنان تیراژ وسیعی در بین توده ها پیدا کند که خود به

صورت یک وسیله پشتیبانی از جنبش کمونیستی در آید."

بدین ترتیب هر کمونیستی در "مفوف مختلف حزب" و به طریق اولی در کرداگردان، درقبال روزنامه‌اش دو وظیفه مشخص به عهده دارد: (۱) جمع‌آوری گزارش‌ها، اخبار، و اطلاعات از مبارزات زحمتکشان و وضعیت ذهنی و روانشناختی آنها، حرکات دشمنان انقلاب، توطئه‌های ارتجاعی و ...

(۲) تلاش در جهت توزیع، فروش، و آهونمان روزنامه از تمام راه‌های ممکن. تاریخ سوسیال دمکراسی قرن گذشته و اوایل قرن حاضر، و پس از آن جنبش جهانی کمونیستی مملو از فداکاری‌ها و جانباختگی‌های کونیست‌ها و همه میهن پرستان و زحمتکشان در جهت انجام این وظیفه است. پروفسور گابارد "بیست سال کار مخفی در روسیه" نمونه‌های درخشانی از این تلاش سختگی‌ناپذیر را که تا حد ایثار جان می‌رفت، مبارزات در خاطرات خود نقل می‌کند. رمان‌هایی مانند "نیما"، "مادر" و ... که از مبارزات سوسیال دمکرات‌ها در اوج استبداد تزاری الهام گرفته‌اند، حوادث با شکوهی را در برابر دیدگانمان قرار می‌دهند.

جنبش کمونیستی میهن‌مان ایران نیز گذشته پرباری از بیگانه‌رود راه‌انشار و توزیع روزنامه‌های انقلابی را به همراه دارد. سال‌های ۲۲-۱۳۲۵ در مرکز چنین بیگاری است. روزنامه‌های حزب توده ایران هر بار پس از توقیف با نام جدیدی منتشر می‌شدند. "به سوی آینده" برای امکان انتشار دهها بار تغییر نام پیدا کرد. و تازه پس از این همه تلاش، توزیع و فروش روزنامه‌های حزبی خطرات فراوانی را به همراه داشت. در "چهل سال در سنگرمبارزه" می‌خوانیم:

"روزنامه فروش‌ها که سرنوشته‌شان در دست گردانندگان روزنامه‌های ارتجاعی وابسته به هیات حاکمه بود، از ترس از دست دادن سرچشمه کوچک در آغوش خود، از فروش روزنامه "مردم" خودداری می‌کردند، در کوچه‌ها و خیابان‌ها، نه تنها اوهاش وابسته به ارتجاع، بلکه گروه‌هایی از جوانان میهن دوست که با سم تبلیغات فاشیستی مسموم شده بودند، کودکان با برهنه‌ای را که برای چندشاهی حاضر به پیش‌روانامه "مردم" می‌شدند، اعضای حزب را که پیش‌روانامه "مردم" را یکی از مهم‌ترین وظایف خود می‌دانستند، مورد حمله و

ضرب و جرح قرار می دادند و روزنامه ها را پاره می کردند . با این همه مبارزان توده ای از میدان بدررفتند و راه دشوار خود را دنبال کردند .

نمونه گفته شدن رفقا میرشکاری در کرمان بدلیل بخش اعلامیه این مبارزات باید چراغی فراراء مبارزان راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی همین باشد . مشکلات ، فشارها ، ضرب و جرح و کشتارها و . . . . . نباید مانع انتشار و توزیع روزنامه سراسری گردد . دیدگاهی که تن دادن به این فشارها را مجاز شمارد و تعطیل ارگان را اولی و بطور موقت تصویب کند ، دیدگاهی بدست و " انحلال طلبانه " است که نقش ارگان را در پیشبرد سیاست مستقل پرولتری درک نکرده و آن را تا سطح روزنامه های بومیه تنزل می دهد .



#### سخنی با فعالین تشکیلات :

انقلاب ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی ایران لحظات حساس و سرنوشت سازی را می گذراند . امواج انقلاب پرتوان به پیش می تازد و در هر گام مواضع نویینی را تسخیر می کند . به همان نسبت امپریالیسم و ایادی رنگارنگش به آخرین تلاش های مذبحخانه برای جلوگیری از این موج پیشرونده دست می یازند . بخش عمده ای از این تلاش ها را تبلیغات ضد انقلابی در جهت ایجاد جو "طن و نوسیدی نسبت به انقلاب ، چشم اندازهای آن ، و دوستان داخلی و خارجی اش و . . . . . تشکیل می دهد . سیاست تفرقه و تشتت که از جانب نیروهای قشری مخالف رهبری امام خمینی و مخالف تعمیق انقلاب اعمال می شود بیشترین پیمان عمل را برای پیشبرد هدف های ضد انقلابی و امپریالیستی ایجاد می کند .

جمهوری اسلامی ایران گامهای موثری در جهت تحدید مواضع بورژوازی در عرصه سیاسی و تبلیغاتی برداشته است . طرد لیبرالها و ما فوئیست های همدست آنان از مواضع حساس حکومتی و به دنبال آن تعطیل روزنامه های میزان ، نامداد ، و انقلاب اسلامی و امثالهم ، اهرمهای موثری را در این زمینه از جنگ آنان بدر آورده است . لیکن هنوز هم تبلیغات لیبرال- ما با نه و سهم تر از آن قشری ضد ما منفرقه افکنانه در رسانه های جمعی و

مطبوعات ردهای مشخصی دارد. و این در شرایطی است که نیروهای  
هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی قادر به تبلیغ علنی نظرات خود در جهت  
شکیم. تعمیق و گسترش انقلاب هستند و عملاً از بسیاری امکانات  
تیمیائی محرومند. هنوز هم نشریات "کار (اکثریت)" و "نامه مردم"  
را نمی‌توان در روزنامه‌های فروش های بلنی سراغ گرفت. هنوز هم  
رهنمودهای مریخ رهبران انقلاب و تاکید مکرر مسئولین مملکتی مبنی بر  
پهروی از اطلاعاتی داده‌ای دادستانی انقلاب. سازمان فدائیان  
خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، بسیاری از نیروهای هوادار  
انقلاب قادر به استفاده از مطبوعات و رسانهای جمهوری اسلامی برای  
اعلام نظرات خود نیستند. هنوز هم...

در چنین شرایطی وظیفه هر روز منتهی راه استقلال، آزادی و عدالت  
اجتماعی، هر رفیق کمونیست - اعم از کادر، عضو یا هوادار هر مسلمان  
انقلابی پیرو خط امیل امام خمینی، و هر مبین پرستی است که در جهت  
رسانیدن نشریات انقلابی از جمله "کار (اکثریت)" بدست توده‌های  
زحمتکش شهر و روستا، مزرعه و کارخانه، اداره و بیمارستان، سیاه و  
جباد، و خلاصه هر آنجا که مردم هستند، تلاش بی‌گیزی به خرج دهد. شبکه  
توزیع ما، باید متشکل ارتما می چنین افرادی باشد.

رفقا:

"کار" را دست مردم برسانید. قسمت های مختلف آن را در معرض  
دید مردم سردرودها رسانب کنید، آن را برای زحمتکشانی گامگان  
سواد آموختنی بداشته اند بخواهید. در هر مجلس و محفل و مهمانی آن  
را بلند خوانی کنید.

باید "توزیع کار" را به شعرا رهرو زوهرها متما تبدیل کنیم.  
باید "تسا می این قطرات و جویبارهای چشم عمومی" خلق علیه  
امپریالیسم و دوستانش "در یک سیلاب واحد و غول آسا ترکیب شود".

①